

همشهری

صفحه ۱ از ۱

www.hamshahronline.ir

همشهری: www.hamshahronline.ir سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرنی، شماره ۱۴ کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۵۴۴۶ تلفن: ۲۲۰۲۳۰۰۰-۲۲۰۲۳۰۰۰۰۰

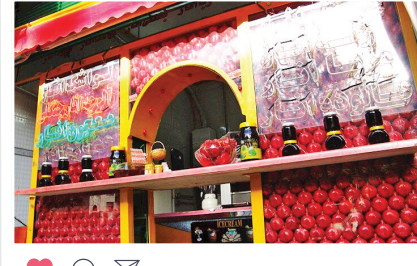
ایرانشهر: دبیر: هژرا عباسی تندیسچی: مدیر: سعید محمدی مدیر: مریم سرخوش سرخ: مدیر: جواد عزیزی مدیر: محمد جعفری دانستیها: مدیر: ساسان شادمان دبیر: زهرا خلجی سزمین من: مدیر: محمد باریکانی

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارچلو شهربان: مدیر: پروانه بهرام نژاد دبیر: مریم باقریور اقتصاد: مدیر: حسین لطفی دبیر: مریم موسی پور تماشگر: مدیر: امیر محمد یعقوب پور دبیر: لیلی فرسند

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری مدیر: مسئول: محسن مهدیان سردبیر: دانیال معمار

تهرانگرام

آقای انار تهران



در گذشته، تهرانی‌ها فقط در فصل پاییز به انار و برخی فرآورده‌های آن دسترسی داشتند. مغازه‌های معدود آمیوه‌فروشی تهران در کنار دیگر محصولات خود آب انار را نیز اضافه می‌کردند. دستفروش‌هایی هم بودند که روی چرخ‌های دستی پر نقش و نگارشان سفره‌های چرمی یا مشمع می‌کشیدند و در وسط آن سینی مسی یا رویی بزرگی قرار می‌دادند که پر از انار دانه‌شده بود. ظرف‌های کوچکی از جنس روی داشتند و در آن به مشتریان انار می‌فروختند. یک چرخ فلزی آمیوه‌گیری شبیه چرخ گوشت‌های دستی قدیمی نیز داشتند که با توان بازوی آنها کار می‌کرد و آب انار را می‌گرفت و در قدحی سفالین که معمولاً لعاب لاجوردی یا آبی داشت می‌ریخت و آب انار را با ملاقه از داخل قدح به لیوان مشتری‌ها می‌ریخت. اما تقریباً از دو دهه پیش انار، ژله انار، بستنی مشتقات آن، مانند لواشک انار، ژله انار، بستنی انار و غیره در تهران دائمی شد و در فصول سال آب انار شیرین و ملس و ترش در دسترس مشتریان است. بنیانگذار چنین مغازه‌هایی «محمد پیامی» بود که بعدها به «محمد اناری» و «آقای انار» معروف شد. او برای نخستین بار در مغازه‌اش در نیابور با عنوان «ایستگاه تصفیه خون» این نحوه عرضه را آغاز کرد و گسترش داد و پس از فوت او پسرانش این کار را ادامه دادند.

تهران نامه



تهران و گنجینه‌های گمشده قاجار

روایت است که در دوره قاجار، بسیاری از اشیای گرانبها و عتیقه در مکان‌های مخفی تهران دفن شده‌اند. این گنجینه‌ها هنوز کشف نشده‌اند و داستان‌های زیادی درباره آنها نقل می‌شود. این رازهای مدفون باعث شده تهران همواره شهری پر از شایعه و داستان باشد. تصور اینکه این گنجینه‌ها کجا ممکن است دفن شده باشند، همیشه ذهن ماجراجویان را به خود مشغول می‌کند.

از دارالفنون تا دانشگاه

آشنایی با قدیمی‌ترین دانشگاه‌ها و مرکز آموزش دینی تهران



بدل کنند. از گذشته، اهالی تهران هم برای کسب آگاهی، تلاش فراوان می‌کردند و همین بس که نخستین شکل مدارس امروزی، به فرمان امیرکبیر در عهد ناصرالدین شاه به نام دارالفنون در تهران تاسیس شد. حالا و در این روز که با نام حوزه و دانشگاه، بهاری‌ترین سنخ‌ترین سرزمین بودند که می‌توانستند وجود ایران‌پران را به طلا



مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری

مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری

بنسای قدیمی‌ترین مرکز آموزش عالی تهران در سال ۱۲۵۷ شمسی در میدان بهارستان بنیان نهاده شد و بعد از چندی وقفه در سال ۱۲۶۱ شمسی خاتمه یافت. این مرکز آموزش عالی که نامش را مدرسه عالی سپهسالار گذاشتند، با هدف بهره‌گیری علوم جدید و در راه پیشبرد معارف اسلامی تاسیس گردید. در فروردین ۱۲۸۹ و با تصویب ششورای انقلاب فرهنگی، نامش به دانشگاه شهید مطهری تغییر کرد. مهم‌ترین ویژگی این دانشگاه، تحصیل همزمان علوم حوزوی در کنار علوم دانشگاهی است.

مدرسه نظام

مدرسه عالی «صاحب‌منصبی» را امروزه به نام دانشگاه افسری امام علی (ع) می‌شناسیم که زمان تاسیس آن به سال ۱۳۰۰ در تهران بازمی‌گردد. از سال ۱۳۱۴، این مدرسه به نام دانشگاه افسری تغییر نام داد و به آموزش



دانشگاه هنر ایران، دانشگاه خوارزمی، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی

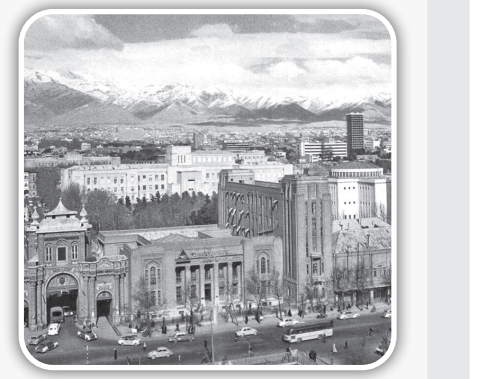
تهران مصور

وقتی خیابان لختی، سعدی شد

خیابان سعدی، معبری که امروزه به بورس قطعات صنعتی، ابزار آلات کشاورزی، توری‌های صنعتی، پمپ و موتور آب اختصاص دارد، از معابر قدیمی تهران است که روزگاری به خیابان لختی معروف بود. خیابانی که از دم ویرانه‌های باغ لاله منشعب شد و هم‌راستا لاله‌زار قرار گرفت. علت این نامگذاری این بود که در گذشته این خیابان بسیار خلوت بود و رفت‌وآمد در آن کم. در سراسر آن یک دکان هم قرار نداشت و در بیشتر ساعات شبانه‌روز شاید به تعداد انگشت‌ها آدم از این خیابان رفت و آمد نمی‌کرد و نه تنها شب‌ها، بلکه روزها هم درزدان و شب‌روها مردم را لخت و جیب‌هایشان را خالی می‌کردند. به همین دلیل به آن خیابان لختی‌ها می‌گفتند. نهایتاً با تاسیس کمیتهی سینگر در این خیابان، نخستین ساختمان جدید در این راسته، باعث تحرک و تشویق دیگران شد تا بناهای دیگری در این خیابان برپا شود. از دیگر ساختمان‌های شناخته‌شده خیابان سعدی ساختمان خودرو سنگین «دوج» بود که با ورود این شرکت و ساخت ساختمان‌های خصوصی این خیابان نام تاریخی لختی را از دست داد و به سعدی، شاعر بلندآوازه شیراز معروف شد. خیابان سعدی از ابتدا محلی برای حضور نمایندگان‌های

کوچه گرد

نخستین بار چه کسانی بالاخانه خود را اجاره دادند؟



ما ضرب‌المثلی داریم در کنایه به آدمی که تصمیم عجیبی گرفته است و می‌گوییم: «بالاخانه‌اش را اجاره داده». معمولاً کار ایسن‌فلانی خیلی دور از ذهن و باعث تعجب است و رویش علامت سؤال روی سر آدم. حالا حکایت این بالاخانه چیست؟ در طهران قدیم اتاقی که روی یک اتاق دیگر ساخته می‌شد، خواهان نداشت. به‌ویژه اگر تر خیابان و گذر بود و روی دکان و حجره‌ای. به این اتاق می‌گفتند «بالاخانه». و بالاخانه داشتن آنقدر عجیب بود که وقتی در خیابان چراغ برق یک بالاخانه ساخته شد و قهوه‌خانه‌اش کردند، مردم به آن لقب قهوه‌خانه عرش دادند؛ هم به دلیل قرار گرفتن در بلندی و هم به این علت که باتوق مردهای اهل دود بود.

در هر صورت آن زمان تراکم جمعیت کم بود و زمین به اندازه، نیازی هم به ساختن اتاق‌های روی هم و بالاخانه نبود. از جنبه مذهبی هم مردم می‌گفتند ارتفاع بنا نباید از ۶ ذرع بیشتر باشد و بالاتر از مسجد ساخته شود. در عرف هم بد می‌دانستند اتاقی مشرف به خانه دیگران ساخته شود. برای همین در کل بالاخانه خیلی محدود در خانه‌ها ساخته می‌شد و اگر کسی می‌ساخت حتماً ورودی آن را هشتی می‌گذاشت. هشتی محوطه‌ای سرپوشیده و چهار گوش یا شش گوش بود که از هر وجه خود راهی مجزا به برون‌روی و اندرونی و بالاخانه یا خانه‌های دیگر داشت. اگر خانه‌ای هشتی نداشت و راهی مجزا برای ورود به هشتی از داخل کوچه، هرگز بالاخانه نمی‌ساخت. بالاخانه‌ها را اغلب برای درویشان و پیرمردها می‌ساختند یا نذری بود برای فقرا و چون راهی مجزا از کوچه داشت و روی بام بود هیچ وقت ساکن بالاخانه با افراد ساکن در خانه تماس و دیداری نداشت. رمال و دعا نویس و طیب هم رفت‌وآمدش از همین بالاخانه بود.

به همین دلیل بد بودن در مذهب و عرف، معمولاً خود صاحبخانه از بالاخانه استفاده نمی‌کرد تا مبادا مردم برایش حریف در بیاورند که فلانی مشرف به خانه همسایه‌هاش است. اما خب گاهی بالاخانه را اجاره می‌داد و باعث می‌شد، وقتی درباره او حرفی به میان می‌آمد مردم می‌گفتند: فلانی را می‌گوی... و لاش کن! او بالاخانه‌اش را اجاره داده یعنی فلانی عقل درست و درمانی ندارد و گرنه بالاخانه نداشت و اجاره‌اش نمی‌داد.

با نگاهی به «تهران در قرن ۱۳» جعفر شهری



سوزه روز

احترام متقابل



افراد دارای معلولیت، زنان و مردان بااراده‌ای اند که بیش از دیگران با چالش‌های زندگی مواجهند و برای رویارویی با سختی‌های روزگار، چند برابر دیگران تلاش می‌کنند. این گروه از جامعه، البته حق استفاده از تمام امکانات شهری را دارند و شهرهای متعادل، باید به گونه‌ای ساخته شوند که آنها هم مثل دیگر اقشار جامعه، امکان استفاده از امکانات شهری را داشته باشند. افراد دارای معلولیت، چون دیگر شهروندان، قوانین شهری را رعایت می‌کنند و دیگران هم باید به حقوق آنها احترام بگذارند.

هنوز هم خیابان سعدی را با هتل‌ها و مسافرخانه‌ها و مهمانسراهایش می‌شناسند. ساختمان بانگ بازرگانی قدیمی این خیابان است که همچنان پابرجا مانده است